

سیسرو و جمهوری^۱

استوارت الدن

برگردان: فخرالدین بهجتی

مقدمه‌ی مترجم:

استوارت الدن یکی از مهمترین و در عین حال خلاق‌ترین متفکران حوزه‌ی ژئوپلیتیک و اندیشه‌ی سیاسی معاصر است که در کتاب زایش قلمرو^۲، نسبت میان "مکان و قدرت" را از دریچه‌ی تاریخ مفهومی قلمرو، کاویده‌است. فارغ از گستره‌ی وسیعی از موضوعات و رخداد‌های تاریخی مرتبط با فرایند برآمدن مفهوم مدرن قلمرو- قلمرو به مثابه‌ی تکنولوژی سیاسی- در کتاب زایش قلمرو، متن زیر، که ترجمه‌ی بخشی از فصل دوم کتاب است، به چند دلیل انتخاب شده‌است. نخست بر این اساس که، این متن، تنها مواجهه‌ی استوارت الدن با یکی از فیگورهای اصلی سنت جمهوری خواهی کلاسیک، سیسرو است و دو دیگر اینکه، نشان‌دهیم، پرداختن به مفاهیم همبسته با دولت ملی، جز از مجرای پروژه‌های "بینا-دیسسیپلین"^۳، میسر- نخواهد شد و فراروی از مرزهای صلب دانشگاهی مواجهه با پرلمنتاریک وضعیت "ما"، ضرورت نگاه جدیدی را در این حوزه طلب می‌کند. ترجمه‌ی "Territorium" از لاتین به انگلیسی و معنایی که سیسرو در زمینه‌ی رومی، از آن فهم می‌کرده‌است در کانون بحث الدن از جمهوری سیسرو قرار گرفته‌است. و چالش‌های ما را نسبت با برگردان چنین مفاهیمی به زبان فارسی، بیش از پیش، جلوی روی پژوهشگران جدی این حوزه، قرار می‌دهد.

سیسرو؛ از مهمترین شخصیت‌های اواخر جمهوری روم و اوایل امپراتوری روم بود، که در بحبوحه‌ی زمانه‌ی بلوا می‌زیست. و سرانجام، در نتیجه‌ی ایستادگی بر باورهای سیاسی‌اش جان داد^[1]. سیاستمداری فیلسوف و وکیل حقوقی^۴ بود که آثار برجای مانده از او، بسیاری از پایه‌های اندیشه و کردار رومی را پوشش می‌دهد. سخنرانی‌های بجامانده از او، نقطه‌ی اوج خطابه‌ی کلاسیک انگاشته می‌شود و این سخنرانی‌ها به صفت

^۱ متن حاضر برگردان بخشی از فصل دوم کتابی با مشخصات زیر است:

Elden, Stuart. *Cicero and the Res Publica: The Birth of Territory*, University of Chicago Press, 2013, pp. 60-67

^۲ *The Birth of Territory*

^۳ interdisciplinary

^۴ legal advocate

سیسرونی^۵ [2] موصوف شده‌اند. گرانت در تحلیل غایب‌اش می‌گوید که؛ " او روشنگرترین و شاید بزرگترین، متفکر سیاسی روم بود [۳]. " در عین حال نباید از یاد بُرد که، هم‌اوردی بزرگی، در این میدان نیز دَر نگرفت. سایم^۶ در موافقت با نظر سیسرو، ادعایی را برجسته و چنین طرح می‌کند که؛ " رومی‌ها نسبت به پندارهای انتزاعی، سوءظن شدیدی داشتند، به ویژه اگر این پندارها، در پیوند با دولت و جامعه، بیان می‌شدند. " تئوری سیاسی، بیگانه و یونانی، تلقی می‌شد: قطعاً اگر [تئوری سیاسی] زیان‌آور نباشد، چیزی غیرضروری و بیهوده‌است [4]. و مواجهه‌ی مذکور، ما را به سوی تایید این رای می‌کشاند که؛ " در واپسین عصر جمهوری روم، جدای از نظریه‌های سیسرو، دچار کمبود تئوری سیاسی هستیم [5]. "

با این همه، حتی نظریه‌پردازی سیاسی سیسرو، دست‌آوردی فرعی، برای کنش سیاسی‌اش بود. او در سمت کنسول [دادرس کل] فعالیت‌داشته و در نگهداشت روم از توطئه‌ی گاتلین، در سال ۶۳ قبل از میلاد سهیم بود. سیسرو علیرغم زمینه‌چینی‌های سزار، از پیوستن به ائتلاف سه نفره امتناع ورزید، زیرا بر این عقیده بود که، روم باید جمهوری بماند [6]. " سیسرو؛ هم پومپئوس و هم سزار را، در عمل دارای سرشت یکسان می‌دانست و می‌گفت: " هر دو در پی سلطه^۷ هستند و نه نیک‌بختی و نیک‌نامی منصفانه‌ی یک سیویتاس. [7] " این جمهوری دور زمانی پیش از آنکه سزار از روییکون [8] بگذرد، برافزوده بود. چنین می‌گویند؛ برتولوس، هنگامی که سزار در قید حیات نبوده، از او یاد کرده و از دفاع جمهوری در برابر دیکتاتوری استقبال می‌کرد [9]. و نیز سایم این نظر را دارد که، گزاره‌ی "بدون اخلاق، امکان قانون ممتنع است"^۸ تاکیتوس، مشخصه‌ی زمانه‌ی سیسرو است [10]. مارکوس آنتونیوس، متحد سزار و فرد دوم در ساختار فرماندهی، اجازه‌ی زنده ماندن یافت و با عکس‌العملی سریع، خودش را در موقعیت قدرت، مستقر ساخت. سیسرو تصریح کرد که؛ "اگر او را به جشن‌های باشکوه ماه مارچ دعوت می‌کردند"، چیزی بر جای مانده بود [11] به این دلیل که، اگر او درگیر جشن‌ها شده بود، آنتونیوس نیز کشته می‌شد. سیسرو در آثاری با عنوان "خطابه‌های فلیپی"^۹، که به دشنام‌های دموستنس^{۱۰} بر علیه‌ی فلیپ مقدونی معروف است [12]، بشدت از آنتونیوس انتقاد کرد. سرانجام او توسط دو افسر تحت امر آنتونیوس در دسامبر سال ۴۳ ق.م به قتل رسید. حدوداً این قتل، بیست ماه پس از مرگ سزار رخ داد. آنتونیوس سر و دستان سیسرو را - که در سخنرانی‌ها [سر] و نوشتارش [دستان]، آنتونیوس را مورد انتقاد قرار می‌داد- به عنوان نشان افتخار برای خود آورد.

⁵ Ciceronian

⁶ Syme

⁷ dominatio

⁸ no morals, no law

⁹ Philippic Orations

¹⁰ Demosthenes

هر چند وود^{۱۱} این نظر را طرح می‌کند که؛ "امروزه سیسرو، به غیر از کلاسیک‌گرایان [13]، بندرت برای دیگر رویکردها، چندان جدی گرفته می‌شود". اما کماکان او به دو دلیل مورد توجه قرار می‌گیرد. نخست به مکتوبات سیاسی و فلسفی او برمی‌گردد. که آثار "De officiis" (در باب مسئولیت‌ها و تعهدات) [14]؛ "De oratore" (در باب سخنوری) [15]؛ و مجموعه‌ی دو جلدی "De legibus" (در باب قوانین) و "De re publica" که معمولاً به (جمهور یا جمهوری) ترجمه می‌شود [16]، را دربر می‌گیرد. شاید بتوانیم در مجموعه‌ی کارهای او، دو اثر آخر را، جزو تاثیرگذارترین آثار سیسرو بدانیم. تنها بخشی از کتاب "جمهوری" در دسترس است و همچنین کتاب "در باب قوانین"، تمام‌ناشده برجای مانده است. در واقع، جمهوری، برای قرن‌های متمادی ناپدید شده بود، تا اینکه در سال ۱۸۱۹ میلادی، پی به وجود بخش‌هایی از آن بردند، [که این بخش‌های کشف‌شده] به عنوان پالمستی^{۱۲} برای نسخه‌ای از تفسر آگوستین قدیس، بر روی مزامیر استفاده شده است [17]. دومین دلیلی که سیسرو را برای ما مهم می‌کند، به کارگیری کلمه‌ی "Territorium" است. کلمه‌ای که در متون برجای‌مانده از لاتین کلاسیک، بسیار کمیاب است.

همان‌گونه که از عنوان‌های دو اثر سیاسی مذکور پیدا است، سیسرو بشدت وامدار افلاطون است. این دو اثر بزرگ سیاسی، مدلی برای چنین سبک نگارش‌هایی ارائه می‌دادند. علاوه بر این، سیسرو از آثار رواقیون و پلوپوس مورخ، به ویژه گفتار او در باب تاسیس جمهوری، نکته‌های بسیاری دریافت کرده بود [18]. در واقع، پیشینه‌پژوهی^{۱۳} یکی از شاخه‌های اولیه‌ی دانش‌پژوهی بود که جست‌وجوی مستمر برای یافتن تمامی خاستگاه‌های یک دعوی بیان شده را، ویرتو می‌نامید. داگلاس چنین رویکردی [پیشینه‌پژوهی به مثابه‌ی ویرتو] را به دور از حقیقت نمی‌داند و بر این نظر است که این رویکرد، بر پنج گمان و پنداشت استوار شده است و در ادامه می‌افزاید که: "امکان دارد که [این پنج اصل] به عنوان فرضیه بکار رود، اما نباید به عنوان اصول موضوعه^{۱۴} تلقی شود [19]". (i) هیچکس برای نخستین مرتبه چیزی را نگفته است، بخصوص اگر آن شخص، رومی و زنده باشد (ii) هیچکس هیچ شناخت فراگیر و عامی نداشته - او همیشه از "منبعی" استفاده کرده است (iii) هیچکس منابع مختلف را با یکدیگر مقایسه نخواهد کرد، مادامی که بتواند دنباله‌رو منبع واحدی باشد (iv) هیچکس حتی یک منبع معتبر و قابل اتکا را نمی‌خواند، تا زمانی که بتواند از خلاصه و کتابچه‌ی راهنمای آن استفاده کند (v) منابع تاریخی هرگز اشتباه نمی‌کنند، در حالیکه نویسندگان جدید، اشتباهات فاحشی مرتکب می‌شوند" [20]. همانگونه که ریسون هم تأکید داشت، سیسرو، تقریباً این موضع را که او "آگاهانه تا حدی ادعای اصالت برای خودش قائل بود" [21] را می‌پذیرفت. سیسرو، آشکارا فیلسوفان یونانی را دوست می‌داشت، صرف‌نظر از چند پاره ترجمه‌ی مستقیم، که از یونانی به رومی انجام داد، بسیاری از آثار او، بازتفسیر ایده‌های یونانی در زمینه‌ی رومی بودند [22]. این موضوع، به ایجاد دایره‌ای از واژگان لاتین منجر شد، که درون این دایره، هم اصطلاحات و هم بسیاری از کلمات جای می‌گرفتند [23]. جونز بر این نظر است

¹¹ Wood

¹² Palimpsest: نسخه‌ی خطی یا دست‌نوشته‌ای، که متن روی آن پاک‌شده، و دوباره رویش نوشته باشند.

¹³ Quellenforschung

¹⁴ axioms

که؛ از جهتی، مهارت سیسرو در تسلط بر زبان لاتین، قیدی برای این پروژه ایجاد می‌کرد و او موضوع اش را چنین بیان می‌کند: "سیسرو توفیق نیافت که زبان لاتین را میانجی درخوری برای بیان تفکر انتزاعی سازد، و اساساً دلیل ناکامی او ارج نهادن بیش از حد به زبان لاتین بود، از این روی که از تغییر فرم و میل شدید، در بکارگیری نواژه‌ها^{۱۵} امتناع می‌ورزید. [24] ". با این حال، همان‌طور که کلارک بدرستی می‌بیند؛ ترکیب چنین ایده‌هایی در یک کل منسجم است که دستاورد سیسرو پنداشته می‌شود. و همچنین اضافه می‌کند که "روح دیالوگ همانند حلقه‌ی اسکپیو^{۱۶}؛ به موقعیتی که در آن قرار دارد وفادار خواهدماند [25] ". اسکپیو آمیلیانوس، شخصیت جمهوری خواه متعلق به قرن دوم پیش از میلاد بود، که محاصره‌ی کارتاژ را رهبری می‌کرد.

واپسین اثری که سیسرو قبل از آغاز جنگ داخلی میان سزار و پمپئوس تکمیل کرد، کتاب **جمهوری** بود. پیروزی سزار به استیلاي جمهوری پایان داد و به همین دلیل، این کتاب را نمی‌توان به عنوان بازتابی از چگونگی شرایط آن دوره خوانش کرد. بلکه، تصریح این موضوع نیز ضروری است که، بدانیم چرا جمهوری شکست خورده است و چه چشم‌اندازی برای آیندگان داشته است؟ [26] . در چندین جای از پایان کتاب **در باب مسئولیت‌ها و تعهدات**، او تأکید می‌کند، که دیگر جمهوری وجود ندارد [27] یا از آن به عنوان "از دست رفته"، "فتح شده"، "سرنگون شده" و قربانی "خیانت" یاد می‌کند [28] . مساله‌ی اصلی در اینجا این نیست که، "جمهوری" به عنوان فرمی از حکومت سقوط کرده و پادشاهی جای آن را گرفته است. اساساً مساله‌ی اصلی این است که عقل سلیم^{۱۷} از دایره‌ی تمامی مسائل و موضوعات، کنار گذاشته شده است [29] . باری، همانگونه که استکتون می‌گوید: این تعبیر که، سیسرو؛ خیلی دیر، پا در این دنیا گذاشته بود، مدت‌ها بود که دیگر محلی از اعراب نداشت [30] . بنابراین در کتاب **جمهوری**، سیسرو، تفسیری ایده‌آل از اینکه روم چگونه باید باشد را نه در سطح تئوری، بلکه به عنوان رُجعت به وضعیت پیشین، ارائه می‌دهد [31] . کتاب **در باب قوانین**، مجموعه‌ی دستورالعمل‌های حقوقی، برای سامان سیاسی جمهوری خواهانه است [32] . بنابراین، از زاویه‌ی دید سیسرو، این دو اثر را باید با یکدیگر خواند. و حتی اشمیت این ادعا را طرح می‌کند که؛ این دو کتاب، در اصل بخشی از یک پیکره‌ی واحد یا یک پولیتیکا^{۱۸} هستند [33] .

مهمترین مولفه‌ی کتاب **جمهوری**، از زاویه‌ی دید این پژوهش، شیوه‌ی تعریف سیسرو از موضوع "جمهوری" است: "جمهوری"؛ در معنای تحت‌اللفظی اش به "مسائل و موضوعات عمومی"، "امور عمومی" و "دارایی عمومی" معنا می‌شود. شاخص‌ترین تعریف در ادامه آمده است:

"جمهوری"، دارایی مردم [res populi] است. به عبارتی دیگر، populus؛ اجتماعی از انسان‌ها نیست که به هر طریق ممکن در کنار هم قرار گرفته باشند، بلکه مجموعه‌ای از مردم با جمعیتی وسیع است که، در یک توافق محترمانه بر اساس قانون و حول منافع مشترک، به یکدیگر گره خورده‌اند. منشاء چنین پیوندی، نه از

¹⁵ neologism

¹⁶ the circle of Scipio Aemilianus

¹⁷ common sense

¹⁸ Politika

ناتوانی مفرط انسان‌ها، بلکه از روح اجتماعی خاصی برمی‌خیزد که طبیعت، در درون آنان وانهاده‌است. زیرا انسان موجودی تکین یا غیراجتماعی نیست بلکه با سرشتی متولد شده، که حتی در شرایط ثروت و مکتب فراوان هم حاضر نیست که انزوا پیشه کند. در زمان کوتاهی، انبوهی پراکنده و پریشان، با توافقی دو جانبه [concordia] به کالبد شهروندان^{۱۹} [civitas] مبدل شدند. [34]

گاهی اوقات، اصطلاح "res publica" به عنوان اصطلاح هم‌سو با "civitas" بکار می‌رود. "جمهوری"، در زبان یونانی، با اصطلاحات polis, politeia و حتی demokratia نسبت برقرار می‌کند. تفاسیر ترجمه‌های انگلیسی در باب این موضوع، نیز متفاوت است و "جمهوری"، "دولت"، "کامنولث"، "نظم مدنی"، "قانون اساسی"، "حکومت" و اصطلاحاتی شبیه موارد ذکر شده را، انتخاب می‌کنند. [35] وود می‌گوید که؛ سیسرو "نخستین متفکر سیاسی و اجتماعی ارزشمندی است که، تعریف رسمی موجزی از دولت ارائه می‌دهد". اما حداقل با اطمینان می‌توان گفت که، موضع وود از لحاظ ترمینولوژیکال، عجولانه طرح شده‌است. [36]. وود در ادامه می‌افزاید که، بدیهی است که، "عمدتن، هدف اصلی سیسرو در شرایط و وضعیت‌های عدم-اخلاقی^{۲۰}، در مقام حمایت و حفاظت از مالکیت خصوصی تصور می‌شود." [37]. با این وجود؛ سیسرو مبحثی را در کتاب در باب قوانین، با تکیه بر موضع کتاب سیاست ارسطو درباره‌ی "زبان" به مثابه‌ی چیزی که انسان را از حیوان متمایز می‌کند، ارائه می‌دهد. و از آنرو که از دریچه‌ی عقلانیت، در جهت تصدیق "عدالت، انصاف و خیر" گام بر می‌دارد، به این روایت ارسطو از زبان، نزدیک می‌شود [38].

به دلیل اینکه همه‌ی حیوانات بر اساس طبیعت مشترکشان میل به تولید مثل دارند، نخستین اجتماع^{۲۱}، درون خود ازدواج و در ادامه به همراه فرزندان و در یک خانه، که همه چیز در آن اشتراکی بود، موجودیت یافت. در واقع، فرایند مذکور، منشاء شهر و اساس یک جمهور [principium urbis et quasi seminarium reipublicae] است. بعد از آن، پیوندهای میان برادران، سپس میان پسر عموهای اول [پسرعموهای خود فرد] و پسرعموی دوم [اشتراک در پدر بزرگ/مادر بزرگ پدر/مادر] که پسرعموهای مذکور به طور همزمان نمی‌توانستند، هم در یک خانه باشند و هم به خانه‌های دیگر بروند که خروجی این وضعیت، شکل‌گیری چیزی شبیه به کلونی‌ها است. در نهایت، کلونی‌ها برخاسته از ازدواج‌ها و آن دسته از پیوندهای ازدواجی هستند که، از گسترش روابط ناشی می‌شود. چنین اشاعه و رشدی، منشا جمهوری‌ها^{۲۲} است. علاوه بر این، پیوندهای خونی، انسان‌ها را با عشق و حسن‌نیت به دور هم جمع کرده‌است. زیرا داشتن حافظه‌ی تاریخی، آئین‌های مذهبی و آرامگاه اجدادی مشترک، مسئله‌ای مهم و قابل اعتناء است. [39]

¹⁹ body of citizens

²⁰ non-ethical

²¹ societas

²² rerum publicarum

با این حال اگر چه به نظر می‌رسد که سیسرو دعوی نقش مردم^{۲۳} را دارد اما موضع‌اش درباره‌ی اینکه چه کسی حق اظهارنظر و سخن گفتن دارد، کاملا روشن است. دو نقل قول از نامه‌های او به دوست مورد اعتمادش، اتیکوس، نشان از این می‌دهد، که نگرش نخبه‌گرایانه را کماکان نگاه داشته‌است. سیسرو در یکی از این عبارات، توده‌ها را به عنوان؛ "گرسنگانِ بدبختِ پست و زالو صفتان چسپیده به خزانه‌ی عمومی"^{۲۴} توصیف می‌کند [40]. و در عبارتی دیگر، کاتو [دولتمردی در اواخر جمهوری روم] را هم به عنوان فردی سخور و هم کسی که رای می‌دهد، توصیف می‌کند، "انگار جایی در پولیتئای^{۲۵} افلاطون است تا در میان تفاله‌های^{۲۶} رومولوس" [41].

در نسخه‌های بجامانده از سیسرو، تنها یکبار از کلمه‌ی "Territorium" یا قلمرو استفاده شده‌است. [42] این کلمه، در دومین فلیپیک^{۲۷} سیسرو بر علیه‌ی مارکوس آنتونیوس آمده‌است، که در آن او را متهم می‌کند که، کلونی‌ای را در کازیلینوم برپا کرده، که پیشتر سزار، کلونی دیگری را در آنجا بنیان نهاده بود^{۲۸}. سیسرو در موضوع "نشانه‌گذاری مرزهای کلونی جدید به وسیله‌ی خیش‌زدن"، بر این مدعا است که؛ "تقریبین ورودی کاپوا را خیش‌زده و قلمرو کلونی‌ای آباد و شکوفا را کاهش داده‌است" [43]. به وضوح، قلمرو در اینجا، ارجاع به زمین‌های متعلق به کاپوا، نواحی پیرامون و اطراف آن، دارد و ساختاری مشترک با کلماتی همچون "praetorium" و "dormitorium" دارد [44]. وارو^{۲۹} اندکی قبل، و در اثری خطاب به سیسرو، قلمرو را از "terra" و "earth" مشتق می‌گیرد و آن را به شرح زیر تعریف می‌کند: "قلمرو، مکانی در نزدیکی یک کلونی است که، به عنوان دارایی مشترک کشاورزان شمرده می‌شود. به این دلیل که محل عبور و مرور افراد بیشتری [teritur]^{۳۰} است [45]. دراموند و نلسون این ایده را مطرح می‌کنند که: "استعمال قلمرو یا در اغلب اوقات "partum" (چمنزار)، به زمین‌هایی که معمولا بوسیله‌ی لژیون‌های رومی یا سایر واحدهای نظامی برای تامین آذوقه استفاده می‌شوند، برمی‌گردد" [46]. قلمرو، به کلمه‌ای برای نامیدن زمین‌های کشاورزی حومه‌ی هر سکونتگاهی تبدیل شد [47]. توصیف مذکور، بعدتر توسط سنکا به عنوان مثال در یکی از آثارش مورد استفاده قرار گرفت: "شما خود شهر قدرتمند را خواهی دید و قلمرو آن، گسترده‌تر از مرزهای یک شهر است" [48]. در نتیجه، سنکا

²³ the role of the people

²⁴ quod illa contionalis hirudo aerari, misera ac ieiuna plebecula

²⁵ Politeia

²⁶ faece

²⁷ Philippic

²⁸ در رم جمهوری خواه، تأسیس یک کلونی جدید یک اقدام سیاسی پیچیده بود که از خط مشی سیاسی و مذهبی دقیق پیروی می‌کرد. در خود رم، این امر شامل فرمان سناتوری، تصویب قانون توسط مجلس قانونگذاری، انتخاب کمیسران کلونی، نام نویسی از ساکنان جدید، و خروج رسمی به محل استقرار (کسر از کلونی قبلی).. (Gargola (1995: 75-76). For the following see

²⁹ Varro

³⁰ trodden

بروشنی میان شهر و زمین‌های حومه‌ی آن، تمایز قائل شده است. بکارگیری این کلمه نیز در اثری از پلینی پدر، که در پس‌زمینه‌ی بحث خروج توده‌ای از مگس‌ها از قلمرو المپوس، که در آنجا گاو نری قربانی شده، آمده است. مفهومی که در اینجا به وضوح به معنای "ناحیه"^{۳۱} استفاده شده است [49]. نمونه‌های بیان‌شده، تنها موارد کاربرد مفهوم قلمرو در میان نویسندگان لاتین کلاسیک است. چنین گشایش‌های بی‌خطری، نتایج عظیمی در تاریخ به بار آورده است. همانگونه که در این کتاب بررسی خواهیم کرد، کلمه‌ی قلمرو در لاتین اوایل قرون وسطی،^{۳۲} فراگیرتر می‌شود اما کماکان با معنایی که امروزه ما از آن می‌فهمیم، فاصله دارد. تنها در لاتین اواخر قرون وسطی است که، این اصطلاح از جنبه‌ی ترمینولوژی‌کال، دقیق‌تر و از لحاظ سیاسی، معنادارتر استفاده شد. و این معناداری؛ از مجرای تعامل و درگیر شدن با قانون میسر شد. با این وجود، از قلمرو انگلیسی [territory] در ترجمه‌های سیسرو، با بسامد و تکرار بیشتری استفاده شده است. ترجمه‌ی قلمرو به زبان انگلیسی را، نه تنها برای برگردان terra، زمین^{۳۳}، چیزهای متعلق به مردم یا سایر نهادهای سیاسی، بلکه برای اصطلاح ager، کشتزار^{۳۴} نیز استفاده می‌کنند. برای نمونه، کاربرد سیسرو از agri برای اشاره به زمین‌های فلیسینس^{۳۵} که در ترجمه‌ی آن از قلمرو انگلیسی استفاده شده است، را می‌توان ذکر نمود [50]. در نهایت، بر اساس کاربردهای ذکر شده، کاملاً روشن است که ager برای سیسرو، صرفن در معنای زمین‌های کشاورزی استعمال نمی‌شده است. و تأکید می‌کند که، "ساکنان لاسیدمونیان، ادعا می‌کردند که، همه‌ی زمین‌هایی [agros]، که توانایی لمس آن با سرنیزه را داشتند، متعلق به آن‌هاست" [51].

گسترش روم، مالکیت زمین‌هایی که در جنگ تصرف شده بودند را به یک مسئله‌ی سیاسی مهم و یک ذهن‌مشغولی مکرر، برای سیسرو تبدیل کرده بود. او به ویژه، نگران طرح‌های تقسیم زمین، میان مردم بود. به جای حفظ وجهه‌ی عمومی مالکیت چنین زمین‌هایی، بیشتر از سوی بزرگ مالکان غایب، کشت و زرع می‌شد [52]. در بدو امر، تمام زمین‌های فتح‌شده یا حتی بخشی از آن‌ها، زمین‌های عمومی مردم روم^{۳۶} بودند. همانگونه که پاول و روود خاطر نشان می‌کنند؛ دو حق انتخاب وجود داشت: "نخست اینکه می‌توان، زمین‌ها را به مستاجرینی اجاره داد که مال‌الاجاره را به خزانه می‌پرداختند و یا می‌توان آنرا تقسیم کرد و به مالکان خصوصی اختصاص داد" [53]. رای مذکور، چندین مرتبه در کتاب جمهوری و در ارتباط با نوما پومپلیوس^{۳۷}، پادشاه افسانه‌ای روم آورده شده است که؛ "زمین‌هایی [agros] را که رومولوس تسخیر کرده بود، میان

³¹ area

³² لاتین قرون وسطی؛ شکلی از لاتین ادبی بود که در اروپای غربی کاتولیک رومی، در قرون وسطی استفاده می‌شد.

³³ land

³⁴ field

³⁵ Phliasians

³⁶ ager publicus populi Romani

³⁷ Numa Pompilius

شهروندان تقسیم کرد" [54]. نوهی او آنکوس مارتیوس، گمان می‌کرد که توانایی چنین کاری را نیز او دارد [55]. سیسرو از مخالفان دیرینه‌ی ایده‌ی تقسیم زمین، در زمانه‌ی زیست خودش بود. او در تاملات خود در باب پیری، فابیوس ماکسیموس^{۳۸}، را چنین می‌ستاید: او در زندگی شهروندی‌اش کمتر از زیست جنگاورانه‌اش برجسته نبوده‌است. در دومین دوره از سمت کنسولی، با وجود آنکه اسپوریو کارولیو^{۳۹} سکوت پیشه کرده‌بود، اما تا جاییکه امکان داشت با طرح تریبون کایوس فلامینیوس^{۴۰} مبنی بر تقسیم اراضی [agrum] مردمان پیکنی‌ها و گول‌ها، بشکل انحصاری و بر خلاف اختیارات سنا، مقاومت کرد [56]. سیسرو، بصورت کاملن روشن و مشخص، گسترش زمین‌های روم را در کلیت آن تأیید کرد و به دستاوردهای بنیادی مردم در این زمینه اشاره کرد:

خرد، ما را برمی‌انگیزاند تا منابع خود را افزایش دهیم، ثروت را انباشته کنیم، مرزهای [finis] خود را گسترش دهیم، و دلیلی دیگر، برای چیستی ستایش و تمجید حکاکی شده بر روی مقبره‌های بزرگترین ژنرال‌ها این است که؛ " او مرزهای امپراتوری را گسترش داد"^{۴۱}. چیزی از دیگران افزوده نشده‌است... اکنون، امپراتوری ما، جهانی را که می‌شناسیم [orbis terrae]، در چنبره‌ی خود دارد" [57].

با این وجود، سیسرو در یکی از خطابه‌های حقوقی‌اش، زندگی ژنرال را با زندگی وکیل مقایسه کرد؛ " او زمان خود را صرف وسیع کردن مرزها می‌کند و شما [وکلا] زمان خود را صرف "تعیین حدود" مرزها می‌کنید" [58]. بند اول؛ با محدوده‌ی سیاسی روم و بند دوم؛ به مرزهای خصوصی املاک موکلان ارتباط دارد" [59].

سیسرو در سال ۶۳ ق.م و در مجلس سنا، طرح ارائه شده توسط سرویلیوس رولوس را به چالش کشید، به این دلیل که، در پی آن بود که، قدرت بسیاری را در چنبره‌ی یک کمیته‌ی کوچک ده نفره^{۴۲} قرار دهد که از زمان کنسولگری سولا و پمپئوس، یعنی در طی ۲۵ سال گذشته، اجازه‌ی فروش زمین‌های را داشتند که به اراضی دولتی خارج از ایتالیا تبدیل شده بودند [60]. گفته شده، قوانین، متعلق به "ager publicus" یا زمین‌های مردم بودند، یا به عبارتی دیگر، زمین‌های متعلق به جمهور بودند و نه زمین‌هایی که در تملک مالکیت خصوصی باشند [61]. سخنرانی سیسرو، قانع‌کننده اما در عین حال غیر صادقانه بود. به این دلیل که سیسرو، مدعی اتخاذ موضعی رادیکال، در جهت برآوردن منافع مردم را داشت، اما در حقیقت، از وضعیتی محافظه‌کارانه دفاع می‌کرد [62]. سیسرو به ویژه، منتقد بندی است که، ممکن است درباره‌ی "زمینی که شخم زده شده و یا زیرکشت است" موضوعیت یابد و نه زمینی که قبلن کاشته شده‌است. به عبارتی دیگر، همانگونه که سیسرو اشاره می‌کند، این بند، بدون حدود و ثغور معنایی بکار گرفته شده‌است [63]. با این حال، در ترجمه‌ی

³⁸ Fabius Maximus

³⁹ Spurio Carvilio

⁴⁰ Caius Flaminius

⁴¹ finis imperii propagavit

⁴² the decemvirs

معیار "ager"، گاهی اوقات به قلمرو "territory" ترجمه می‌شود. گرچه به نظر می‌رسد، که ager به سادگی در معنای کلمات متنوعی همچون کشتزارها، زمین‌ها و قلمرو^{۴۳} استفاده شده است [64]. بیان این نکته از سیسرو ضروری است که، در کتاب **در باب قوانین** یادآور می‌شود، قانون اساسی روم، حکم بر این داده است که، برخی از زمین‌ها هرگز نمی‌توانند ذیل مالکیت خصوصی بروند: "مجموعه قوانین دوازده‌گانه‌ای مقرر کرده است که؛ هیچگاه مالکیت باریکه‌ای پنج فوتی از امتداد مابین خطوط جاده‌ای، مالکیت خصوصی نخواهد داشت [مشاعات]" [65]. در ادامه کییز^{۴۴} تشریح می‌کند که: "این کوچه‌راه، برای حرکت و تغییر مسیر گاواهن و به عنوان مسیری آزاد برای رفت‌وآمد همه گذاشته شده است و هرگز مالکیت آن نمی‌تواند توسط "متصرف غیرقانونی"^{۴۵} بدست‌آید" [66].

جدای از تاکید بر قانون زمین، عناصر جغرافیایی در آثار سیسرو، به گونه‌ای مشهود بکار نرفته است. با این وجود، چند مثال قابل اعتناء درباره‌ی استفاده‌ی شاخصه‌های جغرافیایی در آثار سیسرو وجود دارد، به عنوان نمونه در کتاب **جمهوری** بیان می‌دارد که:

تنها در چند ناحیه‌ی محدود از زمین، سکونت وجود دارد. مابین این مکان‌های مسکونی لکه‌گون، فضاهای خلوت عظیمی [solitudines] وجود دارد. افرادی که روی زمین زندگی می‌کنند به گونه‌ای از هم جدا شده‌اند که هیچ چیزی براحتی نمی‌تواند میان آن‌ها از ناحیه‌ای مسکونی به ناحیه‌ای دیگر انتقال داده شود" [67].

موضع‌گیری فوق‌الذکر، تا حد بسیاری درباره‌ی جدایی مناطق میانی در اقلیم‌های^{۴۶} گوناگون است و به سایر ابعاد گسترش جمعیت نیز مرتبط است. سیسرو در یکی از خطابه‌های دفاعیه‌ی خود، اشاره دارد که یونان در سراسر جهان شناخته شده است اما "لاتین در محدوده‌های تنگ و باریکی محصور شده است". [68] او همچنین، طیفی از مقیاس‌های جغرافیایی را در ذیل بندی از خطابه‌های مشابه بکار می‌گیرد: "هم اکنون ژولیوس سزار به مناطق دوردستی از جهان بیکران رفته است، که همو با فتوحاتش، امپراتوری مردم روم را، به غایت خود رسانده است" [69]. همانند سزار او نیز، گهگاه از "agris" در جهت تصریح زمین‌های متعلق به گروهی از مردم، استفاده می‌کند [70]. سیسرو در ستایش از سزار، درباره‌ی "زمین‌های کاملن جدا شده و مکان‌های نامحدود فتح شده" به دست او صحبت می‌کند [71]. همچنین او بشدت نگران قرارگیری موقعیت مکانی روم است و دوراندیشی رومولوس را می‌ستود، در خصوص مکانی که برای مختصات جغرافیایی قرارگیری شهر روم، انتخاب کرده بود.

مختصات موقعیت مکانی یک شهر، موضوعی است که نیازمند عالی‌ترین بصیرت‌ها، در جهت تاسیس کامنولتی پایدار است. و رومولوس مکانی^{۴۷} برتر و شگفت‌انگیز را برگزید. بنابراین به نظر می‌رسد که، رومولوس از همان

⁴³ fields, lands, and territory

⁴⁴ Keyes

⁴⁵ squatter

⁴⁶ hemispheres

⁴⁷ site

آغاز بر اساس شهود الهی که داشت باید می‌دانست که روزی شهر، مرکز و سنگ‌بنای یک امپراتوری قدرتمند خواهد بود؛ زیرا اگر شهر روم در هر مکان دیگری از ایتالیا قرار گرفته بود، بسختی پتانسیل حفظ و تسلط گسترده‌ی کنونی ما را می‌داشت [72].

متن مذکور، نه تامل حقیقت را بیان می‌کند و نه می‌توان آنرا بسختی موثق و متعبر فرض گرفت. توصیف آرایش شهر در ارتباط با حومه‌ها و روستاهای اطراف آن، بحث و گفت‌وگوها را تا حدی به این موضوع جلب می‌کند.

چگونه شخصی می‌تواند چنین موضوع بااهمیتی را نادیده انگارد که، طرح کلی‌ای در خصوص حفاظ‌های طبیعی خود شهر، در ذهنش ترسیم نکرده باشد؟ جهت خطوط و مسیرهای برج و باروهای روم، بر اساس خرد رومولوس و پادشاهانِ جانشین او، طراحی شده بود. روم، میان انبوهی از تپه‌های شیب‌دار و با زاویه‌ای تند قرار گرفته بود. یگانه راهی که مابین تپه‌های "Esquiline" و "Quirinal" قرار گرفته است، به وسیله‌ی استحکامات^{۴۸} عظیم رو به دشمن و موازی با خندق بزرگی، محاط شده است. و دژ ما به وسیله‌ی پرتگاه‌هایی با شیب تند در بر گرفته شده و صخره‌هایی که به نظر می‌آید، از هر سو بریده و قطع شده‌اند، حتی در زمانه‌ی خوفناکِ برآمدن گول‌ها، امن و رسوخ‌ناپذیر باقی‌ماندند. علاوه بر موارد ذکر شده، محلی که او انتخاب کرده، سرشار از چشمه‌های آب شیرین است. هر چند که در میانه‌ی منطقه‌ای آفت‌زده قرار دارد. دلیل آفت‌زدگی این منطقه این است که، تپه‌هایی وجود دارند که نه تنها در معرض باد ملایم شمال شرقی قرار دارند، بلکه به دره‌های پائین‌دست، نیز سایه می‌اندازند [73].

در پایان، طرح بحثی دیگر در اینجا ضرورت دارد. مکتوبات جمهوری و در باب قوانین، تلاش‌هایی در جهت توصیف قانون اساسی ایده‌آل، برای شهری واقعی هستند. در حالیکه آثار افلاطون که سیسرو از آن‌ها الگوبرداری کرده است، قانون اساسی ایده‌آل برای شهرهایی ایده‌آل هستند. مواجهه‌ای دقیق که، شاید ممکن است در عمل رخ دهد اما پیچیدگی‌های خودش را دارد. موضع سیسرو درباره‌ی این موضوع، کاملن روشن و مشخص است و تاکید دارد که قوانین^{۴۹} افلاطونی با استقرار یک جمهوری "بر روی قطعه زمینِ تصرف نشده‌ای^{۵۰} [خالی از سکنه] آغاز می‌شود. در نتیجه، برای "عادات و رسوم زندگی واقعی انسان‌ها" موهومی است [74]. بدون شک افلاطون فیلسوفی بزرگتر و سیسرو سیاستمداری واقع‌گراتر بود.

یادداشت‌ها

[1]. On his life, see David Stockton, *Cicero: A Political Biography* (Oxford: Oxford University Press, 1971); Elizabeth Rawson, *Cicero: A Portrait* (London: Allen Lane, 1975); and W. K. Lacey, *Cicero and the End of the Roman Republic* (London: Hodder and Stoughton, 1978). There is much revealing information in the letters

⁴⁸ fossa

⁴⁹ Laws

⁵⁰ aream sibi sumsit

- he wrote to Atticus: Cicero, *Ad Atticum*, in *Epistole a Attico*, ed. Carlo di Spigno, Latin-Italian ed., 2 vols. (Turin: Unione Tipografi co-Editrice, 1998).
- [2]. On this aspect of his career, see Jonathan Powell and Jeremy Paterson, eds., *Cicero: The Advocate* (Oxford: Oxford University Press, 2004).
- [3]. Michael Grant, introduction to Cicero, *On Government*, trans. Michael Grant (Harmondsworth, UK: Penguin, 1993), 7.
- [4]. Ronald Syme, *Ten Studies in Tacitus* (Oxford: Clarendon Press, 1970), 119.
- [5]. Syme, *Ten Studies in Tacitus*, 119. See Janet Coleman, *A History of Political Thought: From Ancient Greece to Early Christianity* (Oxford: Blackwell, 2000), chap. 5.
- [6]. Grant, introduction to Cicero, *On Government*, 6.
- [7]. Cicero, *Ad Atticum*, VIII, 11 (February 49 BCE).
- [8]. Donald Earl, *The Moral and Political Tradition of Rome* (London: Thames and Hudson, 1967), 59, who also notes that the use of the word *dominatio* by Cicero is itself highly critical.
- [9]. Miriam Griffin, introduction to Cicero, *On Duties*, ed. M. T. Griffin and E. M. Atkins (Cambridge: Cambridge University Press, 1991), xii-xiii, notes that *De Officiis* was written after the event of Caesar's assassination to justify what Cicero saw as tyrannicide.
- [10]. Ronald Syme, *The Roman Revolution* (Oxford: Oxford University Press, 1939), 201. The reference is to Tacitus, *Annales*, III, 28.
- [11]. Cicero, *Epistulae ad Familiares*, in *The Letters to His Friends*, trans. W. Glynn Williams, Latin-English ed., 3 vols. (London: William Heinemann, 1927-29), X, 28; see XII, 4.
- [12]. Cicero, *The Philippic Orations of Cicero*, Latin text, edited with English notes by Rev. John Richard King (Oxford: Clarendon Press, 1868). On these see Hartvig Frisch, *Cicero's Fight for the Republic: The Historical Background of Cicero's Philippics* (Copenhagen: Gyldendalske Boghandel, 1946). See Demosthenes, *Orations*, trans. J. H. Vince, English-Greek ed., vol. 1 (Cambridge, MA: Harvard University Press, 1930). In Plutarch's *Lives* (vol. 7), which presents parallel biographies, Demosthenes and Cicero appear together.
- [13]. Neal Wood, *Cicero's Social and Political Thought* (Berkeley: University of California Press, 1988), 8.
- [14]. Cicero, *De officiis*, ed. M. Winterbottom (Oxford: Clarendon, 1994); *On Duties*. On this see Andrew R. Dyck, *A Commentary on Cicero, De Officiis* (Ann Arbor: University of Michigan Press, 1996); and A. A. Long, "Cicero's Politics in *De officiis*," in *From Epicurus to Epictetus: Studies in Hellenistic and Roman Philosophy* (Oxford: Oxford University Press, 2006), chap. 15.
- [15]. Cicero, *On the Ideal Orator (De Oratore)*, ed. and trans. James M. May and Jakob Wisse (New York: Oxford University Press, 2001).
- [16]. For the Latin texts, I have used *De re publica, De legibus*, trans. Clinton Walker Keyes, English-Latin ed. (Cambridge, MA: Harvard University Press, 1928); except for the former, where it is available in *De re publica: Selections*, ed. James E. G. Zetzel (Cambridge: Cambridge University Press, 1995). For the English, see *On the Commonwealth and On the Laws*, ed. and trans. James E. G. Zetzel (Cambridge: Cambridge University Press, 1999), which I have based translations on, although I have also consulted *The Republic* and *The Laws*, trans. Niall Rudd (Oxford: Oxford University Press, 1998).
- [17]. Zetzel, introduction to Cicero, *On the Commonwealth and On the Laws*, xvii; see Griffin, introduction to Cicero, *On Duties*, xxvii.

- [18]. Polybius, *Historion*, VI.
- [19]. A. E. Douglas, *Cicero*, Greece and Rome, New Surveys in the Classics, No. 2 (Oxford: Clarendon Press, 1968), 28.
- [20]. Douglas, *Cicero*, 28.
- [21]. Rawson, *Cicero*, 148.
- [22]. Lacey, *Cicero and the End of the Roman Republic*, 12. On this topic generally, see Roland Poncelet, *Cicéron traducteur de Platon: L'expression de la pensée complexe en latin classique* (Paris: E. de Boccard, 1957); D. M. Jones, "Cicero as Translator," *Bulletin of the Institute of Classical Studies*, no. 6 (1959): 22–34; and J. G. F. Powell, "Cicero's Translations from Greek," in *Cicero the Philosopher*, ed. J. G. F. Powell, 273–300 (Oxford: Clarendon Press, 1995).
- [23]. D. H. Berry, introduction to Cicero, *Defence Speeches*, trans. D. H. Berry (Oxford: Oxford University Press, 2000), xxi.
- [24]. Jones, "Cicero as Translator," 33. This is the view, broadly speaking, of Poncelet, *Cicéron traducteur de Platon*, although Jones is a little more sympathetic.
- [25]. M. L. Clarke, *The Roman Mind: Studies in the History of Thought from Cicero to Marcus Aurelius* (London: Cohen and West, 1956), 44.
- [26]. Zetzel, introduction to Cicero, *On the Commonwealth and On the Laws*, xix. For an argument that it was in part designed to counter the views of Lucretius, see Wood, *Cicero's Social and Political Thought*, 63. See Lucretius, *On the Nature of the Universe*, trans. Ronald Melville (Oxford: Oxford University Press, 1997); and James H. Nichols Jr., *Epicurean Political Philosophy: The De rerum natura of Lucretius* (Ithaca, NY: Cornell University Press, 1972).
- [27]. Cicero, *De officiis*, I, xi, 35; II, i, 3.
- [28]. Cicero, *De officiis*, II, viii, 29; II, xiii, 45; III, i, 4; III, xxi, 83. This characterization and references come from Griffin, introduction to Cicero, *On Duties*, xiii.
- [29]. Malcolm Schofield, "Cicero's Definition of *Res Publica*," in *Cicero the Philosopher*, ed. Powell, 66–67.
- [30]. Stockton, *Cicero*, 306.
- [31]. Griffin, introduction to Cicero, *On Duties*, xxvii.
- [32]. Cicero, *De legibus*, I, v, 15; III, ii, 4. On this, see Andrew R. Dyck, *A Commentary on Cicero, De Legibus* (Ann Arbor: University of Michigan Press, 2004).
- [33]. P. L. Schmidt, "The Original Version of the *De re publica* and the *De legibus*," in *Cicero's Republic*, ed. J. G. F. Powell and J. A. North, 7–16 (London: Institute of Classical Studies, 2001).
- [34]. Cicero, *De re publica*, I, xxv, 39–40. The missing text, enclosed in {}, is filled in from the Keyes edition. See *De re publica*, I, xxxii, 48, and the discussion at II, xxxii–iii, 44–45. On this definition, see Zetzel, "Commentary," in *De re publica: Selections*, 127–29; Griffin and Atkins, "Notes on Translation," in *On Duties*, xlv; and Schofield, "Cicero's Definition of *Res Publica*," in *Cicero the Philosopher*, ed. Powell, 63–83.
- [35]. See J. A. S. Evans, "'Res Publica Restituta': A Modern Illusion?" in *Polis and Imperium: Studies in Honour of Edward Togo Salmon*, ed. J. A. S. Evans, 280–84 (Toronto: Hakkert, 1974).
- [36]. Wood, *Cicero's Social and Political Thought*, 125. That said, Cicero does use the phrase "*status civitatis*" (*De re publica*, I, xx, 33); and "*statum rei publicae*" (*In Catilinam*, I.3, in *Catilinarians*, ed. Andrew R. Dyck

[Cambridge: Cambridge University Press, 2008]) or “*rei publicae statum*” (*De lege agraria*, in *The Speeches*, Latin-English ed., trans. John Henry Freese [London: William Heinemann, 1930], II, iii, 8) to mean the state or condition of the *civitas* or *res publica*.

[37]. Wood, *Cicero's Social and Political Thought*, 120.

[38]. Cicero, *De officiis*, I, xvi, 50; see 51–53.

[39]. Cicero, *De officiis*, I, xvii, 54–55. For a discussion, see Dyck, *Commentary on Cicero, De Officiis*, 172–74.

[40]. Cicero, *Ad Atticum*, I, 16 (from May 61 BCE).

[41]. Cicero, *Ad Atticum*, II, 1 (from June 60 BCE).

[42]. This is borne out by the various lexicons in existence. I have consulted H. Merguet, *Lexikon zu den Reden des Cicero*, 3 vols. (Jena, Germany: Gustav Fischer, 1877–84); H. Merguet, *Lexikon zu den Philosophischen Schriften des Cicero*, 3 vols. (Jena, Germany: Gustav Fischer, 1887–94); H. Merguet, *Handlexikon zu Cicero* (Leipzig, Germany: Theodor Weicher, 1905); William Abbott Oldfather, Howard Vernon Canter, and Kenneth Morgan Abbott, *Index Verborum Ciceronis Epistularum* (Urbana: University of Illinois Press, 1938); and Kenneth Morgan Abbott, William Abbott Oldfather, and Howard Vernon Canter, *Index Verborum Ciceronis Rhetorica* (Urbana: University of Illinois Press, 1964). There is equally no discussion in J. Helleogouarc'h, *Le vocabulaire latin des relations et des parties politiques sous la république*, 2nd ed. (Paris: Société d'Édition “Les Belles Lettres,” 1972).

[43]. Cicero, *Oratio Philippica*, II, xl, 102–3. In *Philippic Orations*, 94, there is no commentary on this passage, and *territorium* does not appear in the index. In *Philippics I–II*, ed. John T. Ramsey (Cambridge: Cambridge University Press, 2003), 312, there is a brief note on the political, but not conceptual, context.

[44]. Indeed, the translation in Cicero, *Second Philippic Oration*, ed. W. K. Lacey, (Warminster, UK: Aris and Phillips, 1986), does render *territorium* simply as “lands.” In his lexicons, Merguet suggests *Gebiet*, or “region.”

[45]. Varro, *De Lingua Latina*, in *On the Latin Language*, trans. Roland G. Kent, Latin-English ed., 2 vols. (London: William Heinemann, 1938), V, iv, 21.

[46]. Drummond and Nelson, *Western Frontiers of Imperial Rome*, 89, 246. See Robert K. Sherck, “Roman Geographical Exploration and Military Maps,” *Aufstieg und Niedergang der Römischen Welt* 2 (1974): 553–55; J. J. Wilkes, *Dalmatia* (London: Routledge and Kegan Paul, 1969), 109, 111; and M. Rostovtzeff, *The Social and Economic History of the Roman Empire*, 2nd ed., 2 vols. (Oxford: Clarendon Press, 1957), 1:244–46, which note that inscriptions substantiate this.

[47]. Dyson, *Community and Society in Roman Italy*, 23; and Wilkes, *Dalmatia*, 391. For discussions, see Rostovtzeff, *Social and Economic History of the Roman Empire*, 1:232; and Karlheinz Dietz and Thomas Fischer, *Die Römer in Regensburg* (Regensburg, Germany: Friedrich Pustet, 1996), 142–44, on the use of the phrase *territorium contributum* for the military.

[48]. Seneca, *De Consolatione ad Marciam*, XVII, in *Moral Essays*, trans. John W. Basore, Latin-English ed., 3 vols. (London: William Heinemann, 1932), 2:2–97. See *Concordantiae Senecanae*, ed. R. Busa and A. Zampolli, 2 vols. (Hildesheim, Germany: Georg Olms, 1975).

- [49]. Pliny the Elder, *Naturalis Historia / Natural History*, Latin-English ed., trans. H. Rackham, W. H. S. Jones, and D. E. Eichholz, 10 vols. (London: William Heinemann, 1938–63), XXIX, xxxiv, 106.
- [50]. Cicero, *De re publica*, II, iv, 8.
- [51]. Cicero, *De re publica*, III, ix, 15. This story is also found in Plutarch, *Moralia*, 210e, trans. Frank Cole Babbitt, Greek-Latin ed., 14 vols. (London: William Heinemann, 1931).
- [52]. For a helpful discussion of land, which notes that there were no real developments in agricultural methods, see A. H. M. Jones, *The Later Roman Empire, 284–602: A Social, Economic, and Administrative Survey*, paperback ed., 2 vols. (1964; repr., Oxford: Basil Blackwell, 1986), vol. 2, chap. 20 (citations refer to the 1986 edition).
- [53]. Jonathan Powell and Niall Rudd, “Explanatory Notes,” in Cicero, *Republic and The Laws*, 187. See also Wood, *Cicero’s Social and Political Thought*, 35.
- [54]. Cicero, *De re publica*, II, xiv, 26.
- [55]. Cicero, *De re publica*, II, xviii, 33.
- [56]. Cicero, *Cato maior de senectute*, ed. J. G. F. Powell (Cambridge: Cambridge University Press, 1988), IV, 11; see *In Catilinam*, II, 5.
- [57]. Cicero, *De re publica*, III, xv, 24.
- [58]. Cicero, *Pro Murena*, 22, in Cicero, *Works*, 29 vols., vol. 10, trans. C. Macdonald (Cambridge, MA: Harvard University Press, 1977).
- [59]. The extensions to Cicero’s rather sparse prose are provided by Grant’s translation in *On Government*, 120.
- [60]. Cicero, *De lege agraria*, II, xxi, 56. On this, see E. G. Hardy, “The Policy of the Rullan Proposal in 63 B.C.,” *Journal of Philology* 32, no. 64 (1913): 228–60; and Evan T. Sage, “Cicero and the Agrarian Proposals of 63 B.C.,” *Classical Journal* 16 (1921): 230–36. Cicero’s long-standing opposition to agrarian reform is discussed in Thomas N. Mitchell, *Cicero: The Senior Statesman* (New Haven, CT: Yale University Press, 1991). On previous attempts at land reform, see the accounts of the Gracchi in Plutarch, *Lives*, vol. 10; Appian, *Civil Wars*, I, 9–17; and H. H. Scullard, *From the Gracchi to Nero: A History of Rome from 133 B.C. to A.D. 68*, 5th ed. (London: Methuen, 1982), chap. 2.
- [61]. See “Lex Agraria,” in *Roman Statutes*, ed. M. H. Crawford, 2 vols., 1:113–80 (London: Institute of Classical Studies, 1996).
- [62]. Berry, introduction to Cicero, *Defence Speeches*, xvi.
- [63]. Cicero, *De lege agraria*, II, xxv, 67.
- [64]. See, for example, Cicero, *De lege agraria*, I, iv, 10–11; II, xxv, 66; II, xxix–xxxi, 79–85; II, xxxii, 88; III, ii, 8; III, iv, 15–16. On the word *ager*, see Varro, *De Lingua Latina*, V, vi, 34.
- [65]. Cicero, *De legibus*, I, xxi, 55, citing Tabula, VII, 2–5. For a reconstruction of the text of the tables, see E. H. Warmington, ed., *Remains of Old Latin*, 4 vols. (London: William Heinemann, 1935), 3:424–515; and Crawford, *Roman Statutes*, 2:555–721; and for a discussion, see André Magdelain, *La loi à Rome: Histoire d’un concept* (Paris: Société d’Édition les Belles Lettres, 1978); Cornell, *Beginnings of Rome*, chap. 11. For Livy, I have used *Ab urbe condita*, trans. B. O. Foster, Frank Gardner Moore, Evan T. Sage, and Alfred C. Schlesinger, 14 vols. (London: William Heinemann, 1919–59). I have made use of the Penguin translations:

The Early History of Rome: Books I–V of The History of Rome from Its Foundation, trans. Aubrey de Sélincourt (Harmondsworth, UK: Penguin, 1971); *Rome and Italy: Books VI–X of The History of Rome from Its Foundation*, trans. Betty Radice (Harmondsworth, UK: Penguin, 1982); *The War with Hannibal: Books XXI–XXX of The History of Rome from Its Foundation*, trans. Aubrey de Sélincourt (Harmondsworth, UK: Penguin, 1965); and *Rome and the Mediterranean: Books XXXI– XLV of The History of Rome from Its Foundation*, trans. Henry Bettenson (Harmondsworth, UK: Penguin, 1976).

[66]. Clinton Walker Keyes, note to Cicero, *De legibus*, 360n1; see Dyck, *Commentary on Cicero, De Legibus*, 214–15.

[67]. Cicero, *De re publica*, VI, xix, 20.

[68]. Cicero, *Pro Archia Poeta*, in *The Speeches*, Latin-English ed., trans. N. H. Watts (London: William Heinemann, 1923), X, 23.

[69]. Cicero, *Pro L. Cornelio Balbo Oratio*, in *The Speeches*, Latin-English ed., trans.

[70]. See, for instance, Cicero, *Pro Sexto Roscio Amerino*, in *Speeches*, 1930, XVI, 47.

[71]. Cicero, *Pro M. Marcello Oratio*, 5; 8.

[72]. Cicero, *De re publica*, II, iii, 6; II, v, 10.

[73]. Cicero, *De re publica*, II, vi, 11. There is also the description of Syracuse: *In Verram*, in *The Verrine Orations*, trans. L. H. G. Greenwood, Latin-English ed. (London: William Heinemann, 1949), II, v, 97–98.

[74]. Cicero, *De re publica*, II, xi, 21–22.